

یادداشت



فروش اعضای بدن برای گریز از استیصال

سیمین کاظمی

رشد و پیشرفت اجتماعی

مشکلات اقتصادی و نابرابری طبقاتی بر رفتار اجتماعی مردم یک جامعه تأثیر چشمگیری دارد. متوسل شدن به بدن نتیجه فقر و نابرابری‌های پایدار در جامعه است. در شرایط سخت معیشتی تنها سرمایه باقی‌مانده برای بخشی از جامعه بدن است. بنابراین در چنین شرایطی پدیده‌هایی مانند فروش کلیه، اهدای تخمک، رحم جایگزین، فروش مو و... بیشتر مشاهده می‌شود. نابسامانی اقتصادی، تهیدستان و لایه پایینی طبقه متوسط را مجبور می‌کند که از بسیاری نیازهای خود صرف‌نظر کنند و بیشتر درآمد خود را صرف نیازهای پایه‌ای مانند غذا و مسکن کنند و برای تأمین بعضی نیازها چاره‌ای غیر از فروش بدن یا اعضای آن مقابل خود نبینند. در واقع با مشکلات اقتصادی، فرصت زندگی که شایسته انسان است از او سلب می‌شود و برای زنده ماندن به ناچار تمامیت و یکپارچگی بدن مورد تهدید قرار می‌گیرد و خدشه‌دار می‌شود.

شرایط اقتصادی، فقر، گرانی و بیکاری بخشی از جامعه را به جایی می‌رساند که برای زنده ماندن و تأمین نیازهای ابتدایی زندگی به فروش اعضای بدن مجبور می‌شوند. در واقع برای این بخش از جامعه در فقدان سرمایه اقتصادی، بدن به آخرین سرمایه‌ای بدل می‌شود که برای ادامه زندگی می‌باید پاره‌های آن را فروخت. فروش اعضای بدن، بی‌رحمانه‌ترین شکل از مناسبات اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه را بازتاب می‌کند. با سیطره مناسبات بازار بر تمام شئون و ارکان زندگی بشر معاصر، پدیده کالایی شدن بدن و اجزای آن ظهور کرده است که طی آن بدن فروودستان و اعضای آن قابلیت خرید و فروش پیدا کرده و بازاری داغ پیرامون آن شکل گرفته است.

فروش اعضای بدن برآمده از تلخ‌ترین شرایط زندگی و محصول استیصال محض است و نه تنها سلامت جسمی فرد را به خطر می‌اندازد، بلکه او را به این جهت که تحت شرایط و فشارهای اقتصادی نتوانسته تمامیت جسمانی خود را حفظ کند، دچار حس فقدان و بی‌کفایتی و احساس پشیمانی می‌کند. فرد بعد از فروش عضو ممکن است دچار مشکلات سلامت روان مانند افسردگی و اضطراب و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) شود. خانواده نیز همواره دچار احساس گناه و ترحم نسبت به فردی می‌شوند که ناچار به فروختن عضوی از بدن‌اش برای تأمین نیازهای خانواده شده است. فروش اعضای بدن وضعیت اقتصادی بحرانی را نشان می‌دهد و اینکه تا چه اندازه زنده ماندن و نه زندگی نرمال برای اعضای چنین جامعه‌ای دشوار شده است. چنین شرایطی حتماً آسیب‌های اجتماعی مختلفی را به دنبال دارد. با این اوصاف آنچه برای حفظ بدن فروودستان و پیشگیری از کالایی شدن بدن و برگرداندن حرمت به بدن انسان ضروری است، بهبود وضعیت اقتصادی، نابودی فقر و تلاش برای رسیدن به برابری است. به عبارت دیگر تنها راهکار واقعی این است که برای شهروندان رفاه و برابری ایجاد شود. تا زمان دستیابی به این هدف، لازم است حمایت از گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر فراهم شود و خدمات دولتی رایگان افزایش پیدا کند. تنها در این صورت است که بازار فروش اعضای بدن برچیده و اهدای عضو تنها برای مقاصد دگروستانه انجام خواهد شد.



افراد با گروه‌های سنی مختلف از گذشته تا امروز به اجبار به روش درون‌دناک امرار معاش و رفع نیازهای خود و خانواده در قالب فروش اعضای بدن متوسل می‌شوند. این دسته از افراد در آغاز این مسیر برای عملیاتی کردن تصمیم خود، آگهی‌هایی بر در و دیوار شهر، تیر چراغ برق‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس و

گفت‌وگو

مهمین داور

روشنه‌نگار

آگهی‌های اینترنتی فروش کلیه را یکی پس از دیگری کلیک می‌کنم. برای نمایش شماره تماس‌ها در این سایت باید حق عضویت پرداخت شود. بخش آگهی‌های ویژه با نمایش تلفن فروشنده‌گان کلیه در دسترس هستند.

کلیک و مرور یکی پس از دیگری آگهی‌های بخش ویژه؛ «فروشنده فوری کلیه با گروه خونی (A+)، سن: متولد ۱۳۶۹، جنسیت: زن، ساکن: تهران، تمام آزمایشات مربوط به اهدا و رضایت‌نامه محضری انجام شده، به دلیل مشکلات شدید مالی با خریدار حتی دلال یا واسطه سر قیمت کنار میام، فقط خریدار واقعی فوراً تماس بگیره ممنون.»

آگهی دوم: «فروشنده کلیه با گروه خونی (A) از تهران، متولد ۱۳۷۴ سلام گروه خونیم (A+)، رضایت همسر دارم، همه‌جای شهر میام، به پولش نیاز دارم، لطفاً خریدار واقعی پیام بده، آزمایش (hla) انجام دادم. پیام بدین برائون می‌فرستم. نیاز فوری، قیمت هم زیر ۶۰۰ نمی‌تونم. چون بدهی رو باید پرداخت کنم؛ پس لطفاً شرایط مالی داری پیام بده!»

آگهی سوم: «فروشنده کلیه با گروه خونی (A) از تهران، فروش کلیه و کبد تهران، فروش کلیه و کبد و سایر اعضای بدن، هر کجای دنیا باشه من میام، لطفاً فقط واتس‌آپ پیام بدین.» اینجا وب‌سایت انجمن اهداست که در صفحه اول آن این نوشته درج شده است: «وب‌سایت اهدای کلیه تنها محلی برای یافتن فرد مورد نظر شماست. بنابراین پس از یافتن فرد مورد نظر کار شما با این سایت تمام شده است و می‌بایست اقدامات بعدی را از طریق انجمن بیماران کلیوی شهر خود پیگیری کنید. این وب‌سایت هیچ مسئولیتی در قبال اقدامات کلاهبرداران ندارد و همیشه سعی می‌شود تذکرات مهم در همین قسمت به اطلاع شما عزیزان برسد. پس از یافتن و به توافق رسیدن خریدار و یافروشنده مورد نظر خود، مستقیم با فرد مورد نظر به انجمن بیماران کلیوی شهر خود مراجعه کنید.»

انجمن اینترنتی اهدا که با هدف کمک کردن به افراد جویای کلیه و حذف دلال و واسطه در سال ۱۳۹۵ فعالیت خود را آغاز کرده، تأکید دارد تنها با رعایت کردن اصولی که در سایت انجمن آمده، هر فردی می‌تواند در کمترین زمان ممکن و بدون مشکل چه در زمینه فروش و چه در زمینه خرید از طریق این سایت به هدف خود برسد.

مجموع کاربران فعال ثبت‌نام شده آن در زمان تهیه این گزارش یک میلیون و ۴۷ هزار و ۶۵۰ نفر است و ۱۸۰۰۶ آگهی خرید و فروش در آن فعال است. هر بازدیدکننده این سایت با تورقی در بخش آگهی فروشنده‌گان متوجه می‌شود که اغلب فروشنده‌گان دلیل خود را برای این تصمیم مشکل مالی و نداری مطرح کرده‌اند.

روایت فروشندگان کلیه

«چند سال دارید؟ کجاها آگهی زدید؟ برای کلیه‌تان که برای فروش گذاشتید چه قیمتی در نظر گرفتید؟ چرا تصمیم به این کار دارید؟ به عقابت این کار فکر کردید؟»

«فروشنده کلیه با گروه خونی (O) از اصفهان، فروش کلیه فوری، به دلیل بدهکاری و شرایط مالی می‌خوام کلیه خودمو بفروشم لطفاً تماس بگیرید فوری فوری»

به محض اولین بوق جواب می‌دهد. او می‌گوید که متولد ۱۳۶۸ است و کلیه‌اش را ۸۰۰ میلیون تومان قیمت گذاشته است. این مرد اصفهانی به «آتیه‌نو» می‌گوید: «سه چهار روز است که تصمیمم را به دلیل بدهی برای فروش کلیه عملی کرده‌ام. کلیه‌ام را در سایت انجمن اهدا به قیمت ۸۰۰ میلیون تومان برای

فروش آگهی کردم این در حالی است که در تهران، شما، تا یک میلیارد و ۲۰۰ هم قیمت گذاشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید که قبل کرونا آن‌انس مسافرتی داشته و به دلیل کرونا ورشکست شده و برای گذران معیشت دو دختر و همسرش مجبور به این تصمیم شده و حتی همسرش رضایت محضری داده است.

انگیزه: تأمین نیاز فرزندان

«فروشنده کلیه با گروه خونی (A+) از تهران، فوری زیر قیمت، آزمایش (HLA) از آزمایشگاه یکتا، آزمایش خون کامل، سونوگرافی، تمامی آزمایش‌ها بدون ایراد و مشکل و نشان از سلامت من هستن، خانم هستم و کاملاً سالم زندگی کردم و فقط و فقط به خاطر بچه‌ام دارم این کارو می‌کنم و مشکلات مالی (زیر قیمت).»

چند بوق می‌خورد تا جواب بدهد. با صدایی آرام و گرفته خودش را ۳۷ ساله و صاحب دو بچه معرفی می‌کند. او در جواب اینکه چرا این تصمیم را گرفته بالبخند تلخی می‌گوید: «مگر غیر بدهکاری و گرفتاری مالی چیز دیگری می‌تواند آدم را مجبور به انجام این ریسک کند. هنوز خریداری پیدا نشده، در صورت مع بودن گروه خونی، قیمت قطعی را با هم توافق می‌کنیم.»

پرداخت طلب مردم با فروش کلیه

«فروشنده کلیه با گروه خونی (AB)، ساکن زنجان، بدهکار هستم، نمی‌خواهم زیر منت کسی باشم.»

به محض اینکه می‌گویم برای آگهی فروش کلیه زنگ زدم، با دوبار تکرار جمله «بله در خدمتم»، پرسیدن سؤال‌ها را براریم راحت‌تر می‌کند. او در جواب سؤال که آیا خریداری پیدا شده یا نه به غلیظ ترکی می‌گوید: «۳۹ سالمه، به یک خریدار کرمانی پیدا شده، جواب آزمایش (HLA) دارم. متأسفانه با خانمم برای گرفتن رضایت محضری اختلاف دارم. اگر شرط رضایت‌نامه نبود خیلی وقت پیش عمل کرده بودم.»

می‌پرسم راه دیگری نیست که از این کار منصرف شوید؟ جواب می‌دهد: «مجبورم و مستأجر، پسر ۲۰ ساله و دو دختر دارم. شما یک راه چاره به من نشان دهید. کارمند دولت بودم قرار دادم لغو شد. خیاطی می‌کردم که به نتیجه نرسید. ۲۰۰ میلیون تومان چک دست نزول خور دارم و نزدیک هشت چک برگشتی... به خاطر ۴۵ میلیون بدهی یک سال زندان بودم و تازه آزاد شدم. الان هم روزمزدی کارگری می‌کنم و البته چندان

گزارش آتیه‌نو از بازار فروش اعضای بدن

دیوارها فروش کلیه را جار می‌زنند

یا در انجمن اینترنتی اهدا، برای فروش کلیه و یا دیگر اعضای بدن خود ثبت می‌کنند. «آتیه‌نو» به مناسبت روز حمایت از بیماران کلیوی (۲۴ آبان ماه) در گزارش پیش‌رو ضمن مروری بر آگهی‌های اینترنتی فروش کلیه، با چند نفر از افرادی که کلیه خود را آگهی کرده‌اند گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.



خریداری خارج از این استان پیدا شود قبول می‌کنی که برای جراحی به استان دیگر سفر کنی که او در جواب می‌گوید هر جای دنیا باشد من می‌روم.

عوارض کلیه‌فروشی

«کلیه فروش فوری، گروه خونی (B+)، سالم.» آگهی او را بر درگاه دستگاه خودپرداز بانک دیدم. به او که زنگ می‌زنم خودش را ۳۰ ساله معرفی می‌کند و اینکه سال ۱۳۸۸ از دواج کرده و یک دختر چهار ساله دارد. او به «آتیه‌نو» می‌گوید: «مجبورم برای هزینه زندگی‌ام این کار را بکنم. مستأجرم و هشت ماه نتوانستم خانه اجاره کنم و وسایلم در منزل پدری بود. چند جاقیمت گرفتم و تا الان دو نفر اعلام آمادگی کردند. عوارض آن برایم مهم نیست. جانم فدای خانواده.»

در آمدی نیست.»

از قیمتی که گذاشته می‌پرسم و او جواب می‌دهد: «از آن مشتری کرمانی پرسیدم چقدر توان دارد و گفت که ۳۰۰ میلیون تومان. من گفتم ۲۷۰ میلیون کافی هست که بتوانم بدهی‌ام را پرداخت کنم.»

بعد از مکشی ادامه می‌دهد که اگر من جایی سراغ دارم رضایت‌نامه همسر نمی‌خواهد کلیه‌اش را به من بفروشد. می‌پرسم ممکن است پشیمان شود که او بلافاصله مصمم و با تأکید جواب می‌دهد: «من تمام مراحل را پیش رفتم و کل آزمایش‌ها را انجام دادم. دارم پیگیری می‌کنم که اگر خانمم راضی نشود، یک خانم جای همسر در دفتر خانه حاضر شود و امضا کند.»

کفایت نکردن حقوق

«فروشنده کلیه با گروه خونی (O+) هستم. با آزمایش (HLA) به خاطر نیاز مالی مایل به فروش کلیه خودم هستم. خواهشاً، خواهشاً مشتری واقعی فقط زنگ بزنه، پیام نه، زنگ.» تک‌زنگی که می‌خورد بلادرنگ جواب می‌دهد و می‌گوید در خدمتم. از او که سنش را می‌پرسم می‌گوید ۲۳ سال دارد. برای اطمینان از مصمم بودنش برای این تصمیم، از سلامتی و انجام آزمایشات مورد نیاز این عمل جراحی می‌پرسم که او جواب می‌دهد: «من آزمایش (HLA) و سونوگرافی انجام دادم، کلیه‌ام سنگ‌ساز نیست و هیچ مشکلی هم ندارد.»

بعد که از چرایی این تصمیمش می‌پرسم او با اشاره به نیاز مالی‌اش ادامه می‌دهد: «به خاطر مادرم و بچه‌ام می‌خواهم این کار را انجام دهم. از دواج کردم و الان جدا شدم.» او ادامه می‌دهد قیمتی که برای کلیه‌اش در سایت گذاشته ۵۵۰ میلیون تومان است و بعد در جواب من که می‌پرسم تنها راه چاره فروش کلیه است و آیا به عوارض آن فکر کرده، بلافاصله جواب می‌دهد: «مستأجرم. مادر و خواهرم مر می‌شوند. دست‌وپالم بسته است. من پشیمان نمی‌شوم. شغل آزاد دارم، جوشکاری می‌کنم اما مگر با حقوق ۱۲ میلیون تومانی می‌شود زندگی کرد؟»

در چه صورت ممکن است از این تصمیم خود صرف‌نظر کنی؟ او جواب می‌دهد: «در شرایطی که زندگی‌ام تأمین شود و بتوانم خرج بچه و مادرو خواهرم را در بیاورم. تقاضای وام کردم که یک وانت بخرم و با آن کار کنم، اما تا الان موفق نشدم.»

از او می‌پرسم شما که در آذربایجان غربی هستید، اگر

